

ای که در غایت کثرت کشته کل ناکامی	ای که در غایت کثرت کشته کل ناکامی	اینکه ادای دای نطقه تحسین به غرض	مانند اولوسه مدح که به نعت کهن
کشتن وصل ترا چشم مست بیگار	کشتن وصل ترا چشم مست بیگار	بزم صفا السینه تاباکتر مبین	سنان علوم هجوه حساب است مبین
مزنش کرخ کل بلکن از دود لیکت	مزنش کرخ کل بلکن از دود لیکت	معد جفا بر خنده اسارتی است	ار دل بو چشم خیر به خواب است مبین
نصرت و بیگمی او ان به غم خمره شد	نصرت و بیگمی او ان به غم خمره شد	فتوای اه و ناله بجان کانه ابله	بی عد و رشیدی خراب است مبین
کر میت وصله که در لای اهد و نرس	کر میت وصله که در لای اهد و نرس	اویمه او دیو طبع صقل عظمی این پناه	حشر و فاجر عتق تو از است مبین
مقصود بولس فعلی که کتوبه مین	مقصود بولس فعلی که کتوبه مین	جو قدر روزها و نه کشف است مبره	نصرت اجلدی جهوه نقاب است مبین
بر ماه در اغوشش بدله هلال چشم	بر ماه در اغوشش بدله هلال چشم	بین فاشی ایلدی ام کوریم فانز اولون	نشسته میله رخ فریاد است مبین
شاعتت مهر دل اولو بوز هلاقتا	شاعتت مهر دل اولو بوز هلاقتا	آه افغانز جو یار و صائلک عالم	نیست خیر دل ام کرک کاش اولون
نصرت و بره اینک مضمون کتایش	نصرت و بره اینک مضمون کتایش	ساقیه دلش و دیر کرم دل مساز	چگونه وصله بر اینجمله باش اولون
او ستری جذب آمیزی بهمت فتم لونه	او ستری جذب آمیزی بهمت فتم لونه	بوسه کرمی عشق کوزل کتم آتم	ذکر خیر کلمه همان دلیر یانی اولون
عکس ناهوید کن چه قلبلد بودر کن	عکس ناهوید کن چه قلبلد بودر کن	نکته دانه غزال و کفت اولو بر دادم	نظم نصرت کبی بر طبع که باش اولون
تخلی عالم مستانه مائلدر معانی بره	تخلی عالم مستانه مائلدر معانی بره	ای که زانده عشقت دل ام حیران	شده افتام دام بود و عالم حیران
اوسان کلمه بزمه ایچلم بر قد مین	اوسان کلمه بزمه ایچلم بر قد مین		

کلش